



International Conference on The Second Phase of the Islamic Revolution : دومین همایش بین المللی گام دوم انقلاب اسلامی :

The School of Martyr Soleimani ;

مکتب شهید سلیمانی

A Model for Training Jihadi Civilization-Making Managers

الگوی تربیت مدیران جهادی تمدن ساز



International Conference on The School of Martyr Soleimani
(ICSMS 2021)

A Comparative Study of Ghasem Soleimani Civilization Face Indicators With the indicators of civilization of Ayatollah Javadi Amoli

Tahereh Setorg¹

Abstract

The importance of the formation of natural civilization in the Islamic world, which is the construction of the utopia and the formation of the Islamic government, and the implementation of those standards and evolutionary principles according to verses from the perspective of Ayatollah Javadi Amoli, will lead to the first steps to lay the groundwork for a new Islamic civilization. Comparing the approaches of this study, the components of the formation of the new Islamic civilization and the indicators of the civilization-building figure of Martyr Qassem Soleimani, his personality can be considered comprehensive of individual and social moral values, which is an effective step to build the natural civilization of Muslims. Today it is known as the new Islamic civilization; Therefore, his wise and just leadership, producing power and empowering the resistance front in the region and the world, paying attention to his sound nature and sincerity, which led to changing the equations and geometry of regional and global power, and finally releasing the energies of the resistance front, Basic theme analysis method or thematic method; The constructive concepts of this matter and the actualization of this natural civilization can be argued according to the components of civilization.

Keywords: Principles of evolution, innate civilization, Muslim civilization, Qassem Soleimani

¹PhD in Quran and Hadith University of Rey, Level 4 Comparative Interpretation in Kowsar Seminary; Researcher of the Institute of Education of the Islamic Revolution; Shahr-e Rey, Iran; tahaset21@gmail.com

بررسی تطبیقی شاخص های چهره‌ی تمدن ساز قاسم سلیمانی

با شاخص های تمدنی آیت الله جوادی آملی

طاهره سترگ^۱

چکیده

اهمیت موضوع شکل گیری تمدن فطری در دنیای اسلام که همان ساخت مدینه فاضله و تشکیل حکومت اسلامی است و عمل به آن موازین و مبادی تکاملی طبق آیات از دیدگاه آیت الله جوادی آملی، منجر به برداشتن گام های اولیه جهت بسترسازی تمدن جدید اسلامی خواهد گشت که با مقایسه‌ی رهیافت های این پژوهش مؤلفه های شکل گیری تمدن نوین اسلامی و شاخص های چهره‌ی تمدن ساز شهید قاسم سلیمانی می توان شخصیت ایشان را جامع ارزش های اخلاق فردی و اجتماعی دانست که گامی مؤثر جهت ساخت تمدن فطری مسلمانان است و امروزه به نام تمدن نوین اسلامی شناخته شده است؛ لذا رهبری عاقلانه و عادلانه ایشان، تولید قدرت و توانمندی سازی جبهه‌ی مقاومت در سطح منطقه و جهان، توجه به فطرت سلیم و اخلاص ایشان که منجر به تغییر معادلات و هندسه قدرت منطقه‌ای و جهانی و در نهایت آزادسازی انرژی های جبهه‌ی مقاومت شده، به روش تحلیل مضمون های پایه و یا روش تماتیک؛ می توان به مفاهیم سازنده این امر و به فعلیت رسیدن این تمدن فطری، طبق مؤلفه های تمدن ساز استدلال نمود.

کلیدواژه‌ها: مبادی تکامل، تمدن فطری، تمدن مسلمانان، قاسم سلیمانی

^۱ . دکتری دانشگاه قرآن و حدیث شهری مدرس معارف گرایش قرآن و متون، سطح ۴ تفسیر تطبیقی حوزه علمیه

کوثر؛ پژوهشگر پژوهشگاه معارف انقلاب اسلامی؛ شهری، ایران؛ tahaset21@gmail.com

مقدمه

مقاله حاضر با عنوان « بررسی تطبیقی شاخص های چهره‌ی تمدن ساز شهید قاسم سلیمانی با شاخص های تمدنی آیت‌الله جوادی آملی » ضمن ارائه مفهومی روشن از تمدن فطری اسلامی و بیان مبادی تکاملی تمدن فطری که از مؤلفه‌های اصلی تمدن نوین اسلامی بوده و با بیان اهمیت موضوع اثرگذاری بی‌نظیر شهید سلیمانی بر این تمدن سازی؛ منجر به برداشتن گام‌های اولیه جهت بسترسازی تمدن جدید اسلامی خواهد گشت. همچنین اصطلاح تمدن نوین اسلامی برای نخستین بار از سوی مقام معظم رهبری مطرح گردید؛ که ایشان ضمن تأکید بر لزوم ترسیم هدف بلندمدت برای بیداری اسلامی در کشورهای مسلمان، می‌فرمایند:

این هدف نهائی نمی‌تواند چیزی کمتر از «ایجاد تمدن درخشان اسلامی» باشد. امت اسلامی با همه ابعاد خود در قالب ملت‌ها و کشورها، باید به جایگاه تمدنی مطلوب قرآن دست یابد. شاخصه‌ی اصلی و عمومی این تمدن، بهره‌مندی انسان‌ها از همه‌ی ظرفیت‌های مادی و معنوی‌ای است که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان، در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است. آرایش ظاهری این تمدن را در حکومت مردمی، در قوانین برگرفته از قرآن، در اجتهاد و پاسخ‌گویی به نیازهای نوبه‌نوی بشر، در پرهیز از تجر و ارتجاع و نیز بدعت و التقاط، در ایجاد رفاه و ثروت عمومی، در استقرار عدالت، در خلاص شدن از اقتصاد مبتنی بر ویژه‌خواری و ربا و تکاثر، در گسترش اخلاق انسانی، در دفاع از مظلومان عالم و در تلاش و کار و ابتکار، می‌توان و باید مشاهده کرد. نگاه اجتهادی و عالمانه به عرصه‌های گوناگون، از علوم انسانی تا نظام تعلیم و تربیت رسمی و از اقتصاد و بانکداری تا تولید فنی و فناوری و از رسانه‌های مدرن تا هنر و سینما و تا روابط بین‌الملل و غیره و غیره، همه از لوازم این تمدن است. (بیانات رهبری، مورخ ۹۲/۲/۹)

بنابراینچه ذکر شد، امروز موضوع مکتب تمدن ساز یکی از موضوعات پژوهشی کلیدی در جامعه علمی دنیای اسلام به شمار می‌رود که نیازمند تبدیل شدن به یک جریان قوی علمی است. از این منظر، این پژوهش قصد دارد ضمن بررسی اولیه معنا برای نخستین بار با بیان مبادی تکاملی تمدن فطری اسلامی و نقش شهید سلیمانی بر فراهم آمدن مکتب تمدن ساز، بستر لازم را برای روشن شدن ابعاد کلان موضوع و شکل‌گیری یک جریان تحقیقاتی در زمینه تمدن نوین اسلامی به وجود آورد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

بی‌شک، پیشرفت چشمگیر اسلام مرهون اتقان در اساس و جامعیت در محتوای آن بوده و تمدن و فرهنگی می‌تواند بر سایر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها چیره گردد که از غنای لازم برخوردار باشد؛ چراکه از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین اوصاف اسلام، «کلیت» و «دوام» است؛ بدین معنا که همه افراد انسان، از سیاه و سپید و سرخ و دیگر نژادها را در خود جای می‌دهد؛ همچنین گذشته و آینده تا روز قیامت را در برمی‌گیرد؛ آن‌چنان‌که پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه و آله و سلم) در زمان و زمینی ظهور کرد که اعتقاد به شرک (بت‌پرستی) و نیز ظلم و تعدی و بی‌عدالتی سراسر زندگی مردم را فرا گرفته بود و پیامبر امی با حمل پیام الهی و تحمل زحمات طاقت‌فرسا در ابلاغ امور و حیاتی توانست در مدتی کوتاه، فرهنگ و تمدن منحط اعراب جاهلی و بسیاری از مکاتب غیرانسانی را از میان بردارد و تمدن بزرگ اسلامی را جایگزین آن‌ها کند. (جوادی آملی، خلیلی، ۱۳۸۹، ص ۱۸۷) واژه تمدن مترادف فرهنگ و مدنیت و انسانیت به کاررفته است و در زبان انگلیسی به معنای civilization به کاررفته است و طبق تعالیم اسلامی به معنای نزدیک کردن جامعه اسلامی به مقاصد خود است. (غلامی، ۱۳۹۶: ۴۳) و نیز تمدن به دو معناست:

- ا. به معنای اجتماعی زندگی کردن که خداوند ساختار بشر را به گونه‌ای آفریده که مجبور است برای رفع نیازمندی‌های خود با دیگران به سر ببرد و یا تمدن، نظم اجتماعی است که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان‌پذیر می‌شود و جریان می‌یابد. (جوادی آملی، مصطفی پور، ۱۳۸۹، ص ۴۸)
- ب. به معنای حق محور بودن و عدالت اجتماعی داشتن است که مقتضای فطرت اوست؛ نه طبیعت وی. (جوادی آملی، بند علی، ۱۳۸۹، ج ۱۰، ص ۴۳۹)

نظریه تمدنی آیت الله جوادی آملی:

اما طبق برهان عقلی تجربی؛ اگر تمدن به معنای خیرخواهی و عدالت‌طلبی، مقتضای طبع و ذات انسان باشد، نباید در هیچ شرایطی از انسان جدا شود، چون انفکاک مقتضای ذات از مقتضای با لذات محال است، مگر با زور که در افراد کمی رخ می‌دهد و با رفع فشار به همان اصل خود بازمی‌گردد، حال آنکه بدیهی است که این انفکاک عدالت‌طلبی هست و انسان‌ها برابر تجربه اکثری طبعاً تجاوزگرند. تقریب فنی این برهان عقلی به صورت قیاس استثنایی چنین است:

اگر حق محوری (تمدن) ذاتی انسان می‌بود؛ هرگز از آن تخلف نمی‌کرد.

لیکن غالباً از آن تخلف دارد.

پس انسان طبعاً یعنی ذاتاً متمدن و حق محور و عدل مدار نیست و چون اکثر افراد انسان در غالب موارد طغیانگرند، می‌توان توحش طبیعی را در حد اقتضا (نه علت تام) برای انسان از جهت طبع ثابت کرد.

از این رو طبق آیات قرآنی نیز هر جا سخن از انسان است، از تجاوزگری، پرخاشگری، فرصت‌طلبی،

انحصارطلبی و بخل‌ورزی او سخن رفته است؛ مگر در مواردی اندک که ناظر به فطرت و روح الهی اوست. گاهی از او با عناوین ظلوم، جهول و کفار یاد کرده است: «إِنَّهٗ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا»؛ «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ» (جوادی آملی، بند علی، ۱۳۸۹، ج ۱۰، ص ۴۴۰) «وَكَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا» (سوره اسراء/ ۱۰۰)، بنابراین مقتضای طبع اولی انسان آن است که به نداشته‌ها حریص و تجاوزگر است و نسبت به داشته‌هایش بخیل و انحصارطلب، زیرا اولاً روح توکل و اعتماد به خدا در طبیعت او نیست و ثانیاً همواره می‌خواهد برای فسق و فجور راهش باز باشد: «بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ». (سوره قیامت/ ۵)

همچنین طبق دلیل روایی، امام صادق (علیه‌السلام) در جواب زندیقی که از دلیل نبوت عام پرسید، مطلبی فرمود که با مقداری تأمل معارف ذیل از آن استنباط می‌شود: هنگامی که ثابت کردیم جهان دارای خالق حکیمی است که به چشم سردیده نمی‌شود تا مردم با او ارتباط فیزیکی برقرار کنند و او امور زندگی آنان را رسیدگی کند، عقل قطعی حکم می‌کند که خداوند سفیرانی را برگزیند تا مصالح و منافع مردم را رسیدگی کنند، و گرنه انسانیت نابود می‌شود، چون انسان نمی‌تواند تنها زندگی کند، بلکه ناچار است با دیگران به سر ببرد و همه در زندگی جمعی به نزاع افتاده و با آتش شهوت و غضب یکدیگر نابود می‌شوند، زیرا با داشتن خوی سرکش، هادی و راهنما ندارند، از این رو اجتماعشان مایه هلاکت آنان است؛ همانند صدها هیزم افروخته که با جمع شدن کنار هم زودتر خاکستر و نابود می‌شوند، برخلاف اجتماعی که از وحدت و هدایت انبیا برخوردارند. آنان همانند قطرات بارانی‌اند که به یکدیگر مهربان‌اند و با به هم پیوستن دریا را تشکیل می‌دهند که تشنگان را سیراب می‌کند. (کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۶۸)

همچنین طبق شاهد تاریخی موجود که سراسر تاریخ بشر گواه طغیانگری، ظلم و تجاوز انسان‌هاست و اگر سخن از عدالت اجتماعی، خیرخواهی، نوع‌دوستی، ایثار و نثار است، به برکت هدایت پیامبران الهی است، و گرنه جز آن‌ها مبنای حرکت همه قدرتمندان چنین بوده است: «وَقَدْ أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنْ اسْتَعْلَى» (سوره طه/ ۶۴)، چون ضعیفان که نمی‌توانستند چنین بگویند؛ انبیا و اولیای الهی و شاگردان آنان که دست پرورده «دین الهی» هستند نیز منطقتان این است که «وَلَا يَفْلَحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَى» (سوره طه/ ۶۹)؛ «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى» (سوره اعلی/ ۱۴)؛ «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا» (سوره شمس/ ۹)، پس تنها بر پایه منطق زورگویان، اهل زد و بند موفق‌اند، چنان که این منطق در جهان معاصر حاکم است، بنابراین مقتضای طبع انسان مدنیت و اجتماعی بودن نیست، بلکه ضرورت او را واداشته است که با دیگران خدمت متقابل داشته، از قانون و نظم تبعیت کند، و گرنه به محض زورمند شدن به هیچ قانونی بها نمی‌دهد. (طباطبائی، المیزان، ج ۲، ص ۱۱۷)

بنابراین طبق برهان عقلی و نقلی ثابت گشت، که انسان فطرتاً متمدّن و طبعاً وحشی است. با این تحلیل از ساختار انسان می‌توان نتیجه گرفت که ممکن است در اعصار نخست، انسان‌هایی با گرایش فطری در اوج تمدّن زندگی کرده باشند، چنان که ممکن است در عصر به اصطلاح تمدّن، موجوداتی طبیعت‌گرا که تنها نامی از انسان را دارند، با استفاده از علم و صنعت، توحش مدرن را به نمایش گذاشته باشند. این آیه: إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا (نساء، ۵۸) از غرر آیات سوره «نساء» اند و به نظر برخی این دو آیه اساس حکومت اسلامی‌اند، (شیخ عبده، تفسیر المنار، ج ۵، ص ۱۳۶) زیرا تمدن را دو عنصر محوری تأمین می‌کند. ۱. قانون آزاد. ۲. مجری رادمرد و آزاده. اگر قانون آزاد از گره کور نباشد و



دارای قصور، فتور، نقص، عیب، و هن، خطا و مانند آن باشد، در رهن آن آفت‌هاست و چیزی که خود مرهون است توان آزادسازی جامعه را ندارد؛ و اگر مجری قانون آزاد، آزاده و رادمرد نباشد، قانون به خوبی اجرا نمی‌شود و گرفتار گزندهای مزبور می‌گردد و کسی که خود در گرو آز و رهن طمع و بند بیدادی است هرگز توان تأمین آزادی امت را ندارد، از این جهت این دو آیه بر قانون عدل و مجری عادل، در نتیجه حمایت از این دو عنصر محوری تأکید جدی دارند. (جوادی آملی، بند علی، ۱۳۸۹، ج ۱۹، ص ۲۲۴)

شهید قاسم سلیمانی

برای ارائه الگو از فرد، نیاز به بررسی اعتقادات محکم و پایدار و خلیقات و رفتار اوست و طبق سخن اولیه از بحث تمدن، نیاز به شخصیتی تمدن ساز هست که یکی از عناصر اصلی آن مجری رادمرد و آزاده است تا بتواند به خوبی قانون را اجرا کرده و دست به آزادسازی جامعه از حکومت های مستکبر و قانون گریز شود. در شناخت ایشان نیاز به واکاوی دقیق بیانات اشخاص هم‌جوار با ایشان است تا با بیانات ایشان، منش و رفتار شهید تجلی یابد؛ از جمله سخنان مقام معظم رهبری درباره این شهید بزرگوار که فرمودند: «سالها مجاهدت مخلصانه و شجاعانه در میدانهای مبارزه با شیاطین و اشرار عالم و سالها آرزوی شهادت در راه خدا، سرانجام سلیمانی عزیز را به این مقام والا رسانید و خون پاک او به دست شقی‌ترین آحاد بشر بر زمین ریخت». (امام خامنه ای، بیانات، ۱۳۹۸/۱۰/۱۳)؛ « شهید سلیمانی چهره‌ی بین‌المللی مقاومت است و همه‌ی دل‌بستگان مقاومت خونخواه اویند (امام خامنه ای، بیانات، ۱۳۹۸/۱۰/۱۳).

همچنین می‌توان اذعان داشت شهید قاسم سلیمانی فردی مبتکر نو اندیش بود و از همین رو بود که ایشان را تربیت یافته اسلام و مکتب امام خمینی (ره) معرفی کردند. (امام خامنه ای، بیانات، ۱۳۹۸/۱۰/۲۷)

بعضی از علما همچون آیت الله علم الهدی نیز شهادت سردار سلیمانی را نقطه عطف گام دوم انقلاب دانسته اند. (خبرگزاری جمهوری اسلامی www.irna.ir - ۱۳۹۸/۱۰/۲۰) در عین حال عقلانیت را در مکتب شهید سلیمانی پررنگ دانسته اند. (گفتگوی پایگاه اطلاع‌رسانی KHAMENEI.IR با علیرضا پناهیان-۹۸/۱۱/۲۷)

پیشینه پژوهش

موضوع مورد بحث شاخص های تمدن سازی شهید قاسم سلیمانی بوده که با مقایسه شاخص های تمدن فطری آیت الله جوادی آملی که بر اساس تفاسیر خود به آن اشاره داشتند؛ مورد تدقیق و توجه قرار گرفته تا به وسیله پی بردن به لایه‌های پنهان شخصیت تمدنی این شهید به اثرات سازنده ایشان بر تمدن‌سازی پی ببریم.

از جهت معرفی شخصیت شهید سلیمانی زارعی (۱۳۹۸) با عنوان «کنکاشی مقدماتی در مکتب سلیمانی»، صرفاً به صورت جزئی و نه کلان در ابعادی همچون شخصیت شناسی، بررسی اعتقادات شهید پرداخته شده و یا ایمان حسنلویی (۱۳۹۵) در پژوهشی نیز الگوی اسلامی- ایرانی براساس مدیریت و رهبری امام خمینی و مقام معظم رهبری معرفی می‌کنند که البته در این پژوهش با رویکردی اساسی از ابتدا به واکاوی نقش شهید سلیمانی پرداخته شده و در

عین حال اشاره به تمدن سازی ایشان داشته اما در نگارش های مرتبط با تمدن سازی همچون بابایی (۱۳۹۶) با عنوان «تمدن نوین اسلامی بر بستر رسانه تمدنی گذار از رسانه های دولت محور» و یا «انقلاب اسلامی و نقش محوری آن در شکل گیری تمدن نوین اسلامی با تأکید بر دکترین امامت» اثر نجفی و غلامی (۱۳۹۷)؛ صرفاً به صورت کلی به بیان تمدن اسلامی پرداخته شده اما این پژوهش سعی دارد اولاً با واکاوی تمدن نوین فطری به تأثیر و نقش آفرینی شهید سلیمانی و تطابق مبانی هدفمند ایشان با تمدن نوین فطری نقش ایشان را در به فعلیت رساندن نظم نوین انقلابی تمدن ساز بررسی کند.

۱- مؤلفه های شکل گیری تمدن نوین اسلامی بر اساس دیدگاه آیت الله جوادی آملی

آیت الله جوادی آملی در تفاسیر خود به صورت مکرر مواردی از مؤلفه های شکل گیری تمدن نوین اسلامی را اشاره می نمایند که در این پژوهش با واکاوی موردی به شناخت این مؤلفه ها اقدام نموده ایم؛ به عنوان نمونه ایشان می فرمایند:

«سخن درباره‌ی جهانی بودن زبان قرآن است که نقش مؤثری در ایجاد مبادی تمدن راستین یعنی حاکمیت عقل و قوانین توحیدی خواهد داشت.» (جوادی آملی، اسلامی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۳)

همچنین رهبر معظم انقلاب نیز معنای توحید را اینگونه فرمودند:

«منشأ مدیریت زندگی انسان عبارت باشد از علم الهی و قدرت الهی و رحمت الهی و فیض الهی و هدایت الهی؛ این معنای توحید است؛ در درجه‌ی اول همه‌ی آن کسانی که با منیت خود، با تکبر خود، با استبداد خود، با ظلم خود می خواهند بر امور جامعه‌ی بشری و جوامع بشری تسلط پیدا کنند، با شعار توحید عقب‌زده می شوند، لذا دشمنی می کنند.» (<http://farsi.khamenei.ir>؛ مورخ ۹۷/۱/۲۵)

از اینرو به صورت کلان، شکل دهی تمدن فطری و راستین به معنای توحید محوری و حاکم نمودن عقل بر رأس امور است که به وسیله جهانی بودن زبان قرآن و عمل به آن محقق خواهد شد؛ اما لازم است در این راستا نیز با ژرف نگری در مؤلفه های شکل گیری تمدن فطری از دیدگاه آیت الله جوادی آملی و تطبیق آن با ویژگی های شخصیتی سردار شهید قاسم سلیمانی که بزرگان، ایشان را از جهات بسیاری الگو دانستند؛ به حقایقی ناب رسید تا با پاسخ به این سؤال که ایشان طبق موازین قرآنی شکل گیری تمدن فطری، چگونه زمینه ساز شکل گیری نظم نوین انقلابی تمدن ساز بودند که در اندیشه فردی و مقاومتی شهید سلیمانی، رأس امور مسائل توحیدی و جلب رضای خداوند و اخلاص بود که در طول زندگی ایشان فراوان به چشم می خورد؛ از اینرو در جداول مضمون داده ها مورد قیاس با سخنان آیت الله جوادی آملی که مرتبط با مؤلفه های تمدن ساز است خواهد آمد.

علاوه بر آن یگانه زبانی که عامل هماهنگی جهان گسترده بشری است، زبان «فطرت» است که فرهنگ عمومی و مشترک همه انسان ها در همه اعصار و امصار است: «فأقم وجهک للذین حنیفاً فطرت الله الّتی فطر الناس علیها لا تبدیل لخلق الله ذلک الذین القیم» (سوره روم/۳۱، جوادی آملی، اسلامی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۳) آنجا که وصف این دوران

تاریک و سیاه با شیواترین سخن در بیان نورانی امیر بیان، علی بن ابی طالب (نهج البلاغه، خطبه ۲۶) مشخص می‌گردد: «شما از جهت فرهنگی دارای زشت‌ترین دین و آیین بودید و از نظر معیشت در بدترین خانه‌ها زندگی می‌کردید: در میان سنگ‌های خشن و مارهای کر و ناشنوایی زندگی می‌کردید که با هیچ وسیله‌ای از حمله به انسان باز داشته نمی‌شدند. آب آشامیدنی شما تیره و غذای شما بدون خورش و گلوگیر بود. خون یکدیگر را می‌ریختید و با خویشان خود پیوند می‌گسستید. بت‌ها میان شما بر پا و گناه سراپایان را فرا گرفته بود.»

آیت الله جوادی آملی در بیان جهان شمولی آموزه های قرآنی، همه انسان‌ها منتعم از این نعمت بزرگ و ریزه‌خوار خوان فرهنگ آن به حساب آورده و اذعان می‌دارند از آثار همان تعلیمات است و هر جامعه‌ای که به این نسخه شفا بخش رو آورد و سعادت خویش را در فرهنگ آن جست و جو کرد، آثار رشد و تمدن در تاریخ و فرهنگ آن جامعه نمایان گردید.» (جوادی آملی، صفائی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۴۳)

۱-۱: مبادی تکاملی تمدن فطری مبنی بر آیات

۱-۱-۱: پیروی از دین و حفظ ایمان و اخلاق

اولین عامل پیشروی در سیر تکاملی تمدن فطری پیروی از دین و در ادامه رعایت ایمان و اخلاق حاصل شده از آن است؛ طبق فرمایش آیت الله جوادی آملی از شهرنشینی، آن را زمانی سبب تمدن و تکامل دانستند که از مبادی ایمانی و اخلاقی نشأت گرفته و اگر برای تأمین لذات و شهوات باشد، عامل هبوط و سقوط دانسته اند. (جوادی آملی، قاسمی، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۶۴۲)

ایشان در این باره اذعان داشتند:

«جامعه‌های به ظاهر مدنی دنیا که بشر امروزی به دام آن‌ها گرفتار آمده‌اند یک اصل و هدف را مبنای زندگی اجتماعی قرار داده و آن را برای خود منشأ سعادت به شمار می‌آورد و آن بهره‌برداری از منافع و مزایای دنیوی و بهره‌کشی از طبقه ضعیف برای سود بیشتر است و آن عامل مهمی که مایه هم‌آوایی مشنوم و یکپارچگی آنان شده است همین امر است؛ در مقابل، اسلام، زندگی اجتماعی استوار بر اصل توحید (یکتاپرستی) را عامل سعادت و پیشرفت می‌خواند.» (جوادی آملی، خلیلی، ۱۳۸۹، ص ۱۸۸)

همچنین یکی از آثار و فواید دین را شکوفایی تمدن دانسته اند:

«زیرا هر جا که دین حضور پیدا کرد، تمدن جلوه‌های بیشتری از خود ارائه کرده است؛ دین، مجموعه‌ای از عقاید و اخلاق و احکام و مقررات فقهی و حقوقی است که برای راهنمایی انسان، جهت تحصیل سعادت واقعی در اختیار او قرار گرفته است. دین در مرتبه اول، انسان را از توحش حیوانی خارج و او را وارد وادی و حریم انسانی می‌کند و با پذیرش حیات انسانی و رعایت قوانین الهی و عمل به آن، که از طریق وحی آسمانی در دسترس او قرار گرفته، او کمالات عقلی و اغراض فطری را تأمین می‌کند و به سعادت ابدی بار می‌یابد؛

انسانی که از مرحله حیوانی گذر کرده، به مرتبه عقلانی می‌رسد، زمام گفتار و رفتار و کردار او را عقل به عهده می‌گیرد و در این حال، چنین انسانی امنیت و نظم را حاکم می‌کند و به دنبال حاکمیت امنیت و نظم، عناصر و عوامل تمدن در چهارچوب برنامه ایجاد خواهند شد.» (جوادی آملی، مصطفی پور، ۱۳۸۹، ص ۴۹)

در ادامه عقل را همان موهبت الهی دانسته که در پرتو خود راه وحی و رسالت را فراروی انسان نهاده و بدین ترتیب آدمی را از مرحله طبع که مرحله توحش و تبعیت از شهوت و غریزه است به مرحله فطرت که مرحله مدنیت و پیروی از نظم و قاعده است سوق می‌دهد. ضرورت وحی و رسالت آنچنان که عقل تبیین می‌کند منحصر به حوزه حیات اجتماعی نیست. (جوادی آملی، پارسانیا، ۱۳۸۶، ص ۳۹۰) برای تدقیق در بحث نیاز به پیروی از دین طبق فرمایش استاد که نسبت به هدایتگری قرآن ایفاد نمودند؛ اشاره به فواید خاصی که برای بعثت انبیا بوده و قطعاً مؤثر در تمدن سازی است به صورت خلاصه اشاره می‌شود:

۱- تعلیم حقایق دست نیافتنی

انبیا حقایق را به انسان تعلیم می‌دهند که انسان بدون وحی به آن‌ها آگاهی پیدا نمی‌کند: «کما أرسلنا فیکم رسولاً منکم یتلوا علیکم آیاتنا ویزیکم و یعلمکم الكتاب و الحکمة و یعلمکم ما لم تکنوا تعلمون»؛ (سوره بقره/ ۱۵۱، جوادی آملی، مصطفی پور، ۱۳۸۹، ص ۵۱)

۲- تزکیه و تربیت

تزکیه نفوس و تهذیب ارواح از ناپاکی‌های اخلاقی نیز یکی از فواید بعثت انبیاست؛ چنان‌که قرآن در آیات متعددی فرمود: «ویزکیهم». (سوره جمعه/ ۲؛ سوره بقره/ ۱۲۹)

تربیت انسان، بیش از جنبه علمی‌اش، دارای جنبه‌های عملی است و مربی در صورتی در کار خود موفق می‌شود که افزون بر آموزش‌های لازم، بتواند به گونه عملی، الگوی کاملی برای تعلیمات خود باشد و با صفات و اخلاق و اعمال خویش تمام مسائل تربیتی را نشان دهد. (سوره احزاب/ ۲۱؛ جوادی آملی، مصطفی پور، ۱۳۸۹، ص ۵۲)

۳- اقامه قسط و عدل

قرآن کریم برقراری عدالت اجتماعی را که نزول کتاب و میزان، مقدمه آن است، از فواید بعثت انبیا می‌داند: «لقد أرسلنا رسلنا بالبینات و أنزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط» (سوره حدید/ ۲۵) ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و همراه آن‌ها کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند. مردم باید برای اجرای عدل اقدام نمایند و در برابر ظلم قیام کنند تا عدل گسترش یابد و قیام مردمی در راستای قسط و عدل باشد؛ در ادامه اذعان نمودند که اجرای قسط ضرورت جهانشمولی دین است؛ از اینرو با توجه به بهای وافری که به مسئله داوری به قسط و عدالتخواهی داده است، می‌تواند داعیه جهانی بودن را داشته باشد، چون جهان‌بینی و فکر و اندیشه جهانی دارد. (جوادی آملی، فراهانی، ۱۳۸۹، ج ۲۲، ص ۴۹۲)

در حوزه اسلامی نیز مؤمنان باید «قوام به قسط» باشند و برای آن‌ها فقیر و غنی و بیگانه و خودی، در اجرای عدالت تفاوت نکند: «یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین بالقسط شهداء لله ولو علی انفسکم أو الوالدین والأقربین إن یکن غنیاً أو فقیراً فالله أولى بهما». (سوره نساء/ ۱۳۵، جوادی آملی، فراهانی، ۱۳۸۹، ج ۲۲، ص ۴۹۲)

۴- آزادی انسان‌ها

یکی از فواید بعثت، نجات انسان‌ها از چنگال اسارت است؛ زیرا همیشه زمامداران مادی برای تثبیت موقعیت خود، انسان‌ها را به غُل و زنجیر کشیده و اموری را بر آن‌ها تحمیل کرده‌اند؛ اما انبیای الهی (علیهم‌السلام) آمدند تا به انسان آزادی بخشند و از بارهایی که بر دوش آن‌ها سنگینی می‌کند، آنان را آزاد کنند: «ویضع عنهم إصرهم والأغلال الّتی كانت علیهم»؛ سوره اعراف/۱۵۷. جوادی آملی، مصطفی پور، ۱۳۸۹، ص ۵۳) پیامبر بارهای سنگین و زنجیرهایی را که بر آن‌ها بود برمی‌دارد.

۵- رفع اختلاف

همیشه انسان‌ها از اختلاف رنج می‌برند و جوامع بشری در شعله مخالفت‌ها و محاربت‌ها می‌سوزند و نیروهای عظیم و امکانات فراوان آن‌ها در این راه بر باد می‌رود. اگر اختلافات در بین انسان‌ها از بین برود، نیرو و امکانات به‌جا به کار گرفته می‌شود و در نتیجه، جهان به سوی ترقی و تکامل گام برمی‌دارد. از این رو، قرآن یکی از فواید انبیا را رفع اختلاف معرفی کرده است: «كان النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكِمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ»؛ (سوره بقره/۲۱۳. جوادی آملی، مصطفی پور، ۱۳۸۹، ص ۵۴)

۶- یادآوری فطریات و مستقلات عقلیه

لطف خدا ایجاب می‌کند که پیامبرانی را مبعوث کند تا ضمن دعوت انسان به سوی خدا، بر ادراکات عقلی او صحنه بگذارند و یافته‌های واقعی خرد انسانی را با بیان خود که از وحی آسمانی سرچشمه می‌گیرد، تأیید و تأکید و احیاناً به اصلاح و تعدیل آن اقدام کنند؛ این، همان چیزی است که قرآن از آن به تذکر یاد می‌کند: «هذا بلاغ للنَّاسِ ولِيُنذِرُوا بِهِ وَلِيَعْلَمُوا أَنَّمَا هُوَ إِلهٌ وَاحِدٌ وَلِيَذَّكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ»؛ (سوره ابراهیم/۵۴) این قرآن، ابلاغی است به همه مردم تا با آن انداز شوند و بدانند که او (خداوند) معبود واحدی است و تا صاحبان مغز و اندیشه متذکر شوند.

۷- دعوت به حیات و زندگانی

از بعضی آیات قرآن، استفاده می‌شود که انبیا افراد بشر را به یک حیات جامع و کامل واقعی دعوت می‌کنند: یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ (سوره انفال/۲۴)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید؛ هنگامی که شما را به سوی چیزی می‌خواند که شما را زنده می‌کند. برخلاف پندار بسیاری از ساده اندیشان می‌توان نتیجه گرفت که دین و مذهب، مسأله‌ای شخصی و خصوصی نیست؛ بلکه حقیقتی است که در تمام زندگی انسان‌ها حضور دارد و تمام شؤون زندگی را به رنگ الهی و انسانی در می‌آورد. (جوادی آملی، مصطفی پور، ۱۳۸۹، ص ۵۴)

۱-۲: شکر نعمت و وفای به پیمان

دومین عاملی که طبق آیات سبب و زمینه ساز ایجاد تمدن فطری خواهد بود؛ شکر گذاری از نعمت‌های پیشین و توجه به پیمان‌ها و عقود است که در جامعه محقق می‌شود؛ «خدا هر که را خواهد به رحمت خود اختصاص می‌دهد»، در مقام بیان این نکته برای یهودیان است که اختصاص فضل و رحمت خدا به شما در عهد قدیم؛ «وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ» (سوره بقره/۴۷)، گفتنی است که پیمان‌هایی که در همین سوره به آن اشاره شده است، اگر مسلمانان نیز آنها را بشکنند و راه کفران را پیشه سازند، فضل و رحمت خدا از آنان نیز ستانده خواهد شد (جوادی

آملی، واعظی محمدی، ۱۳۸۹، ج ۶، ص ۵۲)

۱-۳: پیروی از برهان (دوری از تعصب گرایی)

یکی دیگر از راه‌های مبادی تکاملی تمدن، دوری از تعصب گرایی در انتخاب تمدن راستین است؛ نه آنچنان که هر یک از دو گروه یهود و نصارا همان‌گونه که دیگری را تکفیر کرده و بر باطل می‌دانست، مسلمانان را نیز محکوم به بطلان می‌پنداشت، چنان‌که خدای سبحان فرمود: یهودیان آنگاه از شما راضی خواهند شد که از اسلام دست برداشته، یهودی شوید و مسیحیان از شما خشنود نخواهند شد، مگر اینکه به آیین آنان گردن نهاده مسیحی گردید: ولن ترضی عنک اليهود ولا النصارى حتى تتبع ملتهم (سوره بقره/۱۲۰) اساس این‌گونه سخنان و پندارها در اهل کتاب تعصب جاهلانه است؛ نه برهان، زیرا آنان نه تنها خود را از مسلمانان برتر می‌دانند بلکه با اینکه از کتاب آسمانی بهره‌ای دارند، جبت و طاغوت را پذیرفته و مشرکان را بهتر و متمدن‌تر از مسلمانان می‌پندارند (جوادی آملی، واعظی محمدی، ۱۳۸۸، ج ۷، ص ۱۹۸)

۱-۳: پرسش همراه با تفکر

در تعالی دانش برای رسیدن به تمدن متعالی، پرسش همراه با تفکر بسیار مؤثر است؛ از این‌رو اسلام به اصل پرسشگری و خوب پرسیدن: «حَسُنَ السُّؤَالُ نِصْفَ الْعِلْمِ» (مجلسی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۲۲۴) و از مسائل علمی و سودمند سؤال کردن، بسیار سفارش کرده و فرموده است که در مجالس خود مسائل علمی و مباحث مفید را مطرح کنید تا با این برنامه عملی گروهی بهره‌مند و مأجور شوند: «العلم خزائن و المفاتيح السؤال، فاسألوا یرحمکم الله فإنه یؤجر فی العلم أربعة: السائل والمتکلم والمستمع والمحب لهم». (ابن بابویه، ۱۳۸۲، ص ۲۴۴-۲۴۵)

تحول عظیمی که با طلوع اسلام در فرهنگ و تمدن آن عصر پدید آمد زمینه صدها سؤال علمی را فراهم کرد، هر چند آنان که اهل پرسش بودند به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) دسترسی نداشتند و آنان که دسترسی داشتند اهل سؤال نبودند. (طبرسی، ۱۳۹۵ق ج ۹-۱۰، ص ۴۳۶؛ بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۸، ص ۱۴ به نقل از: جوادی آملی، واعظی محمدی، ۱۳۸۸، ج ۹، ص ۵۵۳)

۱-۴: توجه به فطرت سلیم

یکی از مهمترین ارکان ساخت تمدن فطری سلیم بر اساس آموزه‌های قرآنی توجه به فطرتی است که خداوند آن را «مستوی الخلقه» آفرید؛ و نفس و ما سواها (سوره شمس/۷)، چنان‌که پیکره او را مستوی آفرید. استوای روح به ملهم بودن نفس به فجور و تقواست: فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا (سوره شمس/۸)؛ یعنی انسان دارای فطرت سلیم می‌فهمد که چه چیزی خوب یا بد است و این فهم، سرمایه نخستین هر انسان و برای تکامل وی ضروری است، برخلاف آشنایی با مطالب نظری محض که خداوند تنها ابزار فراگیری آن (چشم و گوش و عقل) را به بشر اعطا کرده است، چون سرمایه او حساب نمی‌شود. (جوادی آملی، بند علی، ۱۳۸۹، ج ۱۰، ص ۴۳۸)

۱-۵: دوری از شهوت و غضب

یکی دیگر از ارکان ساخت تمدن فطری سلیم خدمت متقابل به دیگران و عدم استخدام همونوع به صورت یک جانبه است که تنها با کنترل شهوت و قوه غضبیه حاصل می‌شود؛ ایشان در تفسیر آیه ای صراحتاً می‌فرمایند:

«انسان از نظر طبع اولی که به طین و طبیعت بدنی بازمی‌گردد و تا پیرو شهوت و غضب است، جز به استخدام و استعمار و استثمار دیگران نمی‌اندیشد، چون طبیعت او به حس و ماده نزدیک‌تر است؛ لیکن هرگاه به قدرت و حاکمیت رسد، همه قوانین و تعهدات ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی را زیر پا گذاشته و قوای علمی و عملی را به استخدام یا اسارت خویش در می‌آورد.» (جوادی آملی، بند علی، ۱۳۸۹، ج ۱۰، ص ۴۳۹)

طبیعی دانستن اختلاف میان انسان‌ها

یکی از لوازم رشد و تکامل وجود اختلاف در آرا و نظریات است که لازمه تکامل و رشد علمی است. اگر انسان‌ها از لحاظ اندیشه و برداشت‌های علمی یکسان بودند، هرگز علم و صنعت ترقی نمی‌کرد و جوامع به کمال علمی خود نمی‌رسیدند، زیرا رشد علم و کمال انسان در پرتو برخورد اندیشه‌ها و اختلاف نظرهاست؛ چنان که قرآن کریم بدان اشاره کرده و فرموده است که انسان‌ها پیوسته با هم اختلاف دارند، مگر کسی را که پروردگارت رحم کند و بشر برای پذیرش رحمت خلق شده‌اند و برخی بر آن‌اند که برای اختلاف آفریده شده است: «وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ إِلَّا مَن رَّحِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ» (سوره هود، آیات ۱۱۸ - ۱۱۹)؛ همچنین فرموده است: انسان‌های اولی بر اثر سادگی اندیشه و سطح زندگی و روابط اجتماعی گروهی واحد بودند و سپس بر اثر پیشرفت علم و صنعت از یک سو و کیفیت بهره‌وری از منابع طبیعی و فواید سنتی و صنعتی از سوی دیگر با هم اختلاف کردند: «وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا» (سوره یونس/۱۹) انسان‌ها گرچه دارای فطرتی مشترک‌اند؛ ولی هر کس شاکله و الگوی خاصی در زندگی دارد: «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ» (سوره اسراء/۸۴)؛ حدیث مشهور «الناس معادن كمعادن الذهب والفضة» (کلبینی، الکافی، ج ۸، ص ۱۷۷. جوادی آملی، بند علی، ۱۳۸۹، ج ۱۰، ص ۴۴۴) که ناظر به اختلاف درجات و تعدد مراتب فهم و استعدادهاست، برگرفته از همین آیه است.

۱-۱-۶: ضرورت حل اختلاف و جعل قانون

اختلافات طبیعی که در حد خود می‌تواند سبب مهم تکامل گردد، شکی نیست که حل اختلافات علمی و عملی حتمی و ضروری است، زیرا اولاً اختلاف مستمر بدون برون رفت صحیح، امنیت و سعادت جامعه بشری را به خطر می‌اندازد و موجب هرج و مرج و اختلال نظام می‌شود. ثانیاً حکمت الهی اقتضا می‌کند انسان‌ها در اختلاف و گمراهی رها نشوند، بلکه آنان را به کمال مطلوب خود هدایت کند، چون هر اختلافی یقیناً یک طرفش باطل و ضلالت است: «ما اختلفت دعوتان إلا كانت إحداهما ضلالة» (نهج البلاغه، حکمت ۱۸۳) گرچه می‌تواند هر دو طرف باطل باشد؛ نظیر اختلاف دو سارق در توزیع مال دزدیده شده؛ ولی نمی‌شود هر دو طرف اختلاف حق باشد. (جوادی آملی، بند علی، ۱۳۸۹، ج ۱۰، ص ۴۴۵)

۱-۱-۷: پذیرش فرمان الهی در تضارب آراء

با توجه به آیه «... لَا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفْعًا» (سوره نساء / ۱۱)، می‌توان دریافت که باید جوامع فرهنگی را به تضارب آرا، تبادل انظار، گفت‌وگو و جدال احسن با یکدیگر فراخواند؛ لیکن همگان را در برابر کلام الهی فرمان سکوت و پذیرش داد: «وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا». (سوره اعراف / ۲۰۴)

۱-۱-۸: اداره اقتصادی جامعه بشری با مهر و عدل

ایشان در جریان اقتصاد به ذکر نکته ای اشاره نمودند:

«جامعه بشری را باید با مهر و عدل اداره کرد نه با قهر و جور. دستور تعاون به برّ و تقوا و تحذیر از تعاون به اثم و عدوان (سوره مائده / ۲) به همین منظور است؛ یعنی سنگ بنای بنیان مرصوص جامعه را عقل و عدل تشکیل می‌دهد. عقل نظری و عدل عملی محتاج هدایت و حمایت عقل آفرین و عدل پرور، یعنی خدای سبحان است که فرمود عنصر محوری اقتصاد را «تجارت» و «رضایت» تشکیل می‌دهد (جوادی آملی، الهی زاده، ۱۳۸۸، ج ۱۲، ص ۶۰۷)؛ «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ». (سوره نساء / ۲۹)

۱-۱-۹: عمل به فریضه امر به معروف و نهی از منکر

ایشان طبق فرمایش الهی و ویژگی جامعه متمدن را اینگونه می‌دانند که:

«در جامعه متمدن داریم که به عدل و داد امر و از ظلم و جور نهی کنید؛ به خیر و حسن فرمان دهید و از شرّ و قبیح باز دارید (اعراف/۱۹۹) و به حق و صدق دستور دهید (توبه/۷۱) و از باطل و کذب جلوگیری کنید. در همه این موارد، محور امر، روشن و مدار نهی، شفاف است. گاهی هیچ‌یک از این عناوین مثبت و منفی مطرح نمی‌شود، بلکه گفته می‌شود به معروف امر و از منکر نهی کنید. (لقمان/۱۷) راز و رمز ترک آن عناوین معهود و اکتفا به این دو عنوان جدید التأسیس این است که در مدینه فاضله و در تمدن دینی و در فرهنگ عمومی مردمی که در ظلّ قرآن و عترت به بار آمده‌اند بخش‌های مثبت عناوین یاد شده، مانند عدل، خیر، حسن، حق و صدق معروف و شناخته شده‌اند و بخش‌های منفی آن‌ها، نظیر ظلم، شرّ، قبیح، باطل و کذب ناشناخته‌اند.» (جوادی آملی، عابدینی، ۱۳۸۸، ج ۱۵، ص ۲۶۷)

۱-۱-۱۰: تعاون در برّ و تقوا

باید دانست جامعه ایده‌آل بر دو پایه گرایش به نیکی‌ها و پرهیز از زشتی‌ها استوار است، چون اگر این دو پایه اساسی نباشد، هرگز جامعه انسانی و با تمدن مطلوب تشکیل نمی‌شود، هرچند مشترکاتی مثل زبان، رنگ، نژاد و... آن‌ها را گرد هم آورد. از آنجا که اسلام دینی اجتماعی است و به حفظ نظام جامعه اهتمام ویژه دارد، به اموری که مایه حفظ نظام اجتماعی می‌گردد، امر و از موانع آن نهی می‌کند و چون اخلاق نظام را هرگز نمی‌پسندد، در مواردی که اجرای برخی احکام غیرضروری سبب اخلاق نظام می‌شود، از اجرای آن‌ها به شکل محدود و موقت چشم می‌پوشد؛ بر اثر همین اهتمام، قرآن کریم افزون بر امر به برّ و تقوای فردی، به ساختن مدینه فاضله و جامعه برین بر مبنای برّ و تقوا فرمان می‌دهد: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» (مائده/۲). این تعبیر در مقام بیان حکم اجتماعی است نه فردی. (جوادی آملی، حیدری، ۱۳۸۹، ج ۲۱، ص ۵۴۸)

۱-۱-۱: رهبری عاقلانه و عادلانه

بی‌شک، هر اجتماعی از انسان‌ها همواره نیازمند رهبری مقتدر است تا امور خویش را تحت تدبیر او تمشیت کند:

لأبدُ للنَّاسِ من أَمیرٍ برَّ أو فاجرٍ (نهج البلاغه، خطبه ۴۰)؛ اما مسئله امامت و ولایت، برتر از رهبری و تمشیت امور دنیایی مردم است و ملاک نیاز به پیامبر و امام معصوم منحصر در امور یاد شده نخواهد بود. (جوادی آملی، مخبر، ۱۳۸۹، ص ۴۷)

چنان که در دعای علی بن الحسین (علیه السلام) یکی مورد درخواست از خداست:

«اللَّهُمَّ... تَوَجَّجْنِي بِالْكَفَايَةِ وَ سَمِّنِي حُسْنَ الْوَلَايَةِ» (خدایا!... به تاج کفایت مفتخرم گردان و به حُسن ولایت خوش نامم کن (صحیفه سجاده، دعای ۲۰) و دیگری مورد استعاذه و پناه بردن از آن به خدای سبحان: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ... سَوْءِ الْوَلَايَةِ لِمَنْ تَحْتَ أَيْدِينَا». (خدایا! به تو پناه می‌برم... و از سوء مدیریت نسبت به زیردستان (همان، دعای ۸) سرش آن است که رهبری عاقلانه و عادلانه، داروی شفا بخش جامعه بشری و زمامداری جاهلانه و ظالمانه، آفت هر گونه تمدن و تدین است؛ «إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ آفَةً تَفْسُدُهُ وَ آفَةُ هَذَا الدِّينِ وُلَاةُ السُّوءِ». (نهج الفصاحه، ج ۲، ص ۱۰۲۵؛ جوادی آملی، صفائی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۲۱)

۱۲-۱-۱: برخورداری از رشد فرهنگی

زمامدار حکومت اسلامی عهده‌دار تأمین علم و دانش شهروندان قلمرو حکومت خود خواهد بود و آیاتی از قبیل: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (سوره جمعه ۲/ بیانگر آن است. دشواری مشکل جامعه در جاهلیت جدید یا کهن، همانا ندانستن اصول تمدن ناب یا عمل نکردن به آن بر فرض دانستن است؛ یعنی جهالت و ضلالت، دو عامل قطعی انحطاط جامعه جاهلی است و مهم‌ترین هدف حکومت اسلامی در بخش فرهنگی به معنای جامع، جهالت‌زدایی و ضلالت‌روبی است؛ تا با برطرف شدن جهل و نادانی، علم، کتاب و حکمت جایگزین گردد و با برطرف شدن ضلالت و گمراهی اخلاقی و انحراف عملی (جوادی آملی، رحیمیان، ۱۳۸۸، ص ۴۷)

۱۳-۱-۱: برخورداری از رشد حقوقی

قوانین اسلامی و مسئولان نظام دینی، عهده‌دار تبیین، تدوین و اجرای رشد حقوقی داخلی و بین‌المللی می‌باشند؛ ایشان در ادامه به این امر مهم اشاره می‌کنند:

«زیرا جامعه انسانی هر چند در شئون گوناگون اقتصاد مترقی باشد و هر چند در امور متنوع صنعت کارآمد باشد، مادامی که از قوانین حقوقی کامل و متقابل آگاه نبوده و به آن معتقد نشده، در عمل به آن‌ها متعهد نباشد، هرگز کامیاب نخواهد شد چون همان سلاح‌های اقتصادی و صنعتی بدون صلاح حقوقی و

اخلاقی، زمینه تباهی را فراهم می‌کند و جریان جنگ جهانی اول و دوم و تهاجم‌های موضعی بعد از آن‌ها که باعث شد همواره زورداران در موضع تخریب قرار گرفته و محرومان در موضع انزوا و قتل و غارت واقع شوند، گواه بر آن است. (جوادی آملی، اسلام و محیط‌زیست، ص ۵۶) از این رو ایشان طبق آیات رشد حقوقی را در گرو نفی هرگونه سلطه‌گری یا سلطه‌پذیری...؛ «... لَا تَظْلُمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» (سوره بقره/ ۲۷۹) و رعایت عهود و موثقی بین الملل دانسته‌اند؛ «وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا» (سوره اسراء/ ۳۴)، لزوم عمل به عهد، اختصاصی به عهد خدا ندارد؛ بلکه مقتضای اطلاق آیه مزبور و سایر ادله، دلیل لزوم تعهد به آن است. (جوادی آملی، رحیمیان، ۱۳۸۸، ص ۵۷)

برخوردار بودن جامعه متعهد از امنیت و آزادی

از نظر ایشان مورد مهم در مبحث ایجاد تمدن فطری:

«اهتمام حکومت اسلامی برای برقراری نظام تعهد و قانون، عمل به پیمان و احترام به میثاق، برای آن است که جامعه متعهد از امنیت و آزادی که از لوازم تمدن و اصول مدینه فاضله به شمار می‌آید، برخوردار خواهد بود. (بقره/ ۱۲۶: و إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا) اگر از جامعه‌ای رعایت میثاق رخت برنندد، امنیت، آزادی و سایر شئون مدنیت آن نیز از بین خواهد رفت (نور/ ۵۵) و قرآن کریم تبیین رسایی در این باره دارد که با تحلیل آفرینش انسان و تساوی همه آن‌ها در اصول کل صحبت می‌کند؛ (جوادی آملی، اسلام و محیط‌زیست، ص ۵۷) از این رو امنیت ملی از عناصر محوری اهداف حکومت و تمدن اسلامی است؛ امنیت همه جانبه‌ای که زمینه رشد و تعالی انسان را فراهم کند که با تشکیل حکومت به دست پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در مدینه، غارت دوران جاهلی به امنیت و استئثار بدوی و امتیاز خواهی‌های آن، به تمدن ایثار تبدیل شد. حضرت امیر المؤمنین، علی (علیه السلام) هدف مبارزه بر ضد طغیان جاهلی را استقرار امنیت مناطق مسکونی و احساس ایمنی مردم مظلوم و اجرای حدود الهی دانست. (جوادی آملی، مصطفی پور، ۱۳۸۹، ص ۱۲۸)

۱-۱-۱۴: تبعیت از ولایت فقیه

وقتی گفته می‌شود «جامعه مدنی»، باید دید مقصود از این عبارت چیست. اگر کسی بر آن است که جامعه مدنی، از مدینه النبی (صلی الله علیه و آله و سلم) نشأت گرفته است و همان مدینه فاضله‌ای است که حکماء الهی و بزرگان دین گفته‌اند، البته چنین چیزی، با نظام ولایت فقیه و حکومت اسلامی سازگار است.

تمدن اسلامی که با ولایت فقیه شکل می‌گیرد، عین تدین اوست که از قرآن و عترت استنباط می‌گردد. (جوادی

آملی، محرابی، ۱۳۸۹، ص ۵۱۲)

روش شناسی پژوهش

در این پژوهش به منظور شناسایی شاخص‌های نقش تمدن سازی شهید قاسم سلیمانی و تطبیق آن با مؤلفه‌های تمدن فطری از نگاه آیت‌الله جوادی آملی از روش تحلیل مضمون^۱ یا تحلیل موضوعی یا تحلیل تماتیک که از پرکاربردترین و رایج‌ترین روش‌هاست (به نقل از دهقانی پوده و پاشایی، ۱۳۹۹: ۲۴)؛ استفاده شده که به عنوان روش شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای داده‌های کیفی شناخته می‌شود. (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۳)

در این روش، فرآیند تحلیل داده‌های متنی به منظور مشخص کردن داده‌های غنی و تفصیلی از داده‌های پراکنده و گوناگون است چراکه حائز اهمیت این است که تحلیل مضمون فرایندی است که می‌تواند در بیشتر روش‌های کیفی به کار رود اما صرفاً روش کیفی خاصی نیست بلکه یکی از فنون تحلیلی در پژوهش‌های کیفی به شمار می‌رود (بیات و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۶۸) به تعبیر دیگر، تحلیل مضمون، خود روش مستقل تحلیلی است که می‌تواند در روش‌های تحلیلی دیگر نیز به کار رود. پژوهشگر در این روش از طریق طبقه بندی داده‌ها و الگویابی درون داده‌ای و برون داده‌ای به سنخ شناسی تحلیلی دست پیدا می‌کند. او ابتدا داده‌های خود را شناسه گذاری می‌کند و سپس به دنبال تحلیل داده‌ها می‌رود و به این سوال پاسخ می‌دهد که: داده‌ها چه می‌گویند؟ برای این تحلیل در وهله اول در جستجوی الگویی درون داده‌ها می‌گردد. زمانی که الگویی به دست آمد، باید حمایت تمی یا موضوعی از آن الگو صورت بگیرد؛ به این ترتیب، عنوان‌ها از درون داده‌ها به دست می‌آید و به داده‌ها شکل می‌دهد. (محمدپور، ۱۳۹۰: ۶۶)

داده‌هایی که می‌تواند با روش تحلیل مضمون مورد ارزیابی قرار بگیرد، اعم از داده‌های متنی، مصاحبه‌ها و داده‌های مشاهده‌ای متنی شده است. تحلیل مضمون برای تفسیر داده‌ها، هم در رویکرد استقرایی و هم در رویکرد قیاسی، کاربرد دارد. (فریس و گلیسون، ۲۰۰۴: ۱۵) همچنین روشی است برای شناخت، تشریح و گزارش الگوهای در میان داده در تحلیل مضمون حداقل کار سازمان بخشیدن و توصیف مجموعه‌ای از داده‌های پژوهش به تفصیل‌های غنی شده است؛ هرچند گاه از این هم فراتر می‌رود و در تحلیل مضمون می‌توان به شرح جنبه‌های مختلف از موضوع تحقیق دست یافت. (بیات و همکاران ۱۳۹۵: ۱۶۹؛ بارون و کلارک، ۲۰۰۶: ۷)

۱. Theme Analysis
۲. Frith and Gleson
۳. Braun and Clarke

یافته‌های پژوهش

الف. روش تحلیل مضمون‌های پایه

پس از بررسی بیانات حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) درباره شهید سلیمانی و سخنرانی‌ها و یادداشت‌ها و وصیت‌نامه شهید و توجه به مصاحبه صاحب‌نظران درباره ایشان و با استفاده از روش کتابخانه‌ای (زندگینامه، سخنرانی‌ها، یادداشت‌ها و وصیت‌نامه شهید) و همچنین مصاحبه با افراد صاحب‌نظر، اطلاعات، گردآوری و برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون، داده‌ها دسته‌بندی و مقوله‌بندی و سپس مورد تفسیر قرار گرفته است. در این مرحله هم‌زمان با مطالعه دقیق در این متون، تمامی ویژگی‌های شخصیتی شهید که مرتبط با شکل‌گیری تمدن نوین بود به‌عنوان مضمون‌های پایه شناسایی شد به همراه سیر اطلاعات قبلی از مؤلفه‌های تمدن فطری از نگاه آیت‌الله جوادی آملی منطبق شد که در جدول شماره ۱ ارائه می‌شود.

جدول ۱. مؤلفه‌های شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی و شاخص‌های چهره‌ی تمدن ساز

منبع	شاخص‌های چهره‌ی تمدن ساز (شهید سلیمانی)	نگرش و بینش شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی (طبق قرآن)
مصاحبه حجت‌الاسلام پنهان در مورد مکتب حاج قاسم ۱۳۹۸/۱۱/۲۵: مکتب حاج قاسم، مکتب عقلانیت بود/ بیانات حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ۱۳۹۸/۱۰/۱۸: برخی شجاعت دارند اما تدبیر و قدرت لازم را برای به کار بردن شجاعت ندارند و برخی اهل تدبیرند؛ اما اهل اقدام و عمل نیستند و دل و جگر کار را ندارند.	عقلانیت روحیه پرسش‌گری عدم تعصب‌گرایی	حاکمیت عقل (حجرات/۶؛ ابراهیم/۵۴) پیروی از برهان و نه تعصب‌گرایی (بقره/۱۲۰)
حمید پارسانیا؛ کتاب «عقل سرخ؛ یادنامه علوم اجتماعی ایران برای حاج قاسم سلیمانی و جهان پس از شهادتش»: شهید سلیمانی نظام معنایی توأمان «اسلام و توحید» را محقق کرد. آیت‌الله حسن عالمی (عضو مجلس خبرگان رهبری) ۱۳۹۸/۱۰/۱۴: ایشان بانگیزه احیا مکتب توحید و جهانی کردن اندیشه و تفکر انقلاب اسلامی و زدودن موانع از پیش راه رشد، این مجاهدت‌ها و تلاش‌ها را کرد.	احیاء مکتب اسلام و توحید	قوانین توحیدی (آل عمران/۳۸)

<p>بیانات حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) (۱۳۹۷/۱۲/۱۹): برادر بسیار عزیزمان آقای سلیمانی بارها جان خودشان را در معرض تهاجم دشمن قرار داده‌اند، در راه خدا، برای خدا و مخلصاً لله؛ و مجاهدت کرده‌اند.</p>	<p>برقراری امنیت ایثارگری</p>	<p>برقراری امنیت ملی و تشکیل تمدن ایثار (بقره/۱۲۶؛ آل عمران/۱۶۸)</p>
<p>بیانات حضرت امام خامنه‌ای (مد ظله‌العالی) (۱۳۹۸/۱۰/۱۳): سال‌ها مجاهدت مخلصانه و شجاعانه در میدان‌های مبارزه با شیاطین و اشراق عالم و سال‌ها آرزوی شهادت در راه خدا، سرانجام سلیمانی عزیز را به این مقام والا رسانید و خون پاک او به دست شقی‌ترین آحاد بشر بر زمین ریخت.</p>	<p>عدالت طلبی</p>	<p>اقامه قسط و عدل (حدید/۲۵؛ ممتحنه/۸)</p>
<p>سخنرانی حجت الاسلام رضایی در دانشگاه مذاهب اسلامی: مردمی بودن، بی تکلف و بدون تشریفات بودن او می‌تواند برای بسیاری از مسئولان ما الگو و اسوه باشد.</p>	<p>حفظ فطرت سلیم رعایت تقوا و کنترل غضب و شهوت</p>	<p>توجه به زبان فطرت (روم/۳۱) توجه به فطرت سلیم (شمس/۷-۸)</p>
<p>بیانات حضرت امام خامنه‌ای (مد ظله‌العالی) (۱۳۹۸/۱۰/۱۳): مردم قدر سردار شهید قاسم سلیمانی را دانستند و این ناشی از اخلاص است؛ این که دلها این جور همه متوجه میشوند، نشان‌دهنده‌ی این است که یک اخلاص بزرگی در آن مرد وجود داشت، مرد بزرگی بود. بیانات حضرت امام خامنه‌ای (مد ظله‌العالی) (۱۳۹۸/۱۰/۱۸): در جلسه‌های رسمی با مسئولان مختلف، او به گونه‌ای در حاشیه و دور از چشم می‌نشست که باید می‌گشتید تا او را پیدا می‌کردید و میدید.</p>	<p>تواضع و فروتنی اخلاص ساده زیستی</p>	<p>دوری از تکبر (اعراف/۱۳)</p>
<p>عبدالمجید طالب تاش، رئیس پژوهشگاه قرآن و عترت دانشگاه آزاد اسلامی: ایشان سعی می‌کرد به همه احترام بگذارد و لبخند خود را به هر کس که در مقابلش قرار می‌گرفت، هدیه می‌کرد.</p>	<p>یکسان پنداری رعایت احترام متقابل</p>	<p>دوری از تبعیض (نساء/۱۲۹؛ نساء/۱۳۵)</p>
<p>وصیت نامه الهی - سیاسی شهید قاسم سلیمانی: شهادت می‌دهم که قیامت حق است، قرآن حق است، بهشت و جهنم حق است. سؤال و جواب حق است. معاد، عدل، امامت، نبوت حق است.</p>	<p>دین‌مداری</p>	<p>پیروی از دین (بقره/۱۵۱)</p>
<p>وصیت نامه الهی - سیاسی شهید قاسم سلیمانی: خدایا وحشت همه وجودم را فرا گرفته است. من قادر به مهار نفس خود نیستم، رسوایم نکن. من با این پاها در حرمت پا گذارده‌ام و دور خانه‌ات چرخیده‌ام و در حرم اولیائت در بین الحرمین حسین و عباس آنها را برهنه دواندم و این</p>	<p>تهذیب نفس</p>	<p>تزکیه و تربیت (بقره/۱۲۹، جمعه/۲)</p>

<p>پاها را در سنگرهای طولانی، خمیده جمع کردم و در دفاع از دینت دویدم، جهیدم، خزیدم، گریستم، خندیدم و خنداندم و گریستم و گریاندم؛ افتادم و بلند شدم. امید دارم آن جهیدن‌ها و خزیدن‌ها و به حرمت آن حریم‌ها، آنها را ببخشی..</p>		
<p>به نقل از باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۳۹۸/۸/۲۵: آزادی اهالی یک روستای مسیحی نشین در نزدیکی موصل از دست تروریست‌های تکفیری داعش توسط سردار سلیمانی و...</p>	<p>آزادی طلبی</p>	<p>توجه به آزادی انسان‌ها (اعراف/۱۵۷)</p>
<p>گروه فرهنگی تقدیر، سردار دل‌ها، ۱۳۹۸، ص ۲۸: ماجرای مبارزه با اشراک و نقش حاج قاسم در آن برای رفع اختلافات و اجرای قانون</p>	<p>قانون مداری</p>	<p>رفع اختلاف و قانون مداری (بقره/۲۱۳)</p>
<p>وصیت نامه الهی - سیاسی شهید قاسم سلیمانی: جهان اسلام پیوسته نیازمند رهبری است؛ رهبری متصل و منسوب شرعی و فقهی به معصوم. خوب می‌دانید منزّه‌ترین عالم دین که جهان را تکان داد و اسلام را احیا کرد، یعنی خمینی بزرگ و پاک ما، ولایت فقیه را تنها نسخه نجات بخش این امت قرار داد؛ لذا چه شما که به‌عنوان شیعه به آن اعتقاد دینی دارید و چه شما که به‌عنوان سنی اعتقاد عقلی دارید، بدانید [باید] به دور از هرگونه اختلاف، برای نجات اسلام خیمه ولایت را رها نکنید. خیمه، خیمه رسول الله است. اساس دشمنی جهان با جمهوری اسلامی، آتش زدن و ویران کردن این خیمه است.</p>	<p>تابع محض ولایت فقیه دفاع از ولایت پرهیز از اختلاف و تفرقه</p>	<p>ولایت مداری (انفال/۲۴)</p>
<p>وصیت نامه الهی - سیاسی شهید قاسم سلیمانی: خدایا! تو را سپاس می‌گویم بخاطر نعمتهایت خداوندا! تو را سپاس که مرا صلب به صلب، قرن به قرن، از صلبی به صلبی منتقل کردی و در زمانی اجازه ظهور و وجود دادی که امکان درک یکی از برجسته‌ترین اولیایت را که قرین و قریب معصومین است، عبد صالحت خمینی کبیر را درک کنم و سرباز رکاب او شوم. خداوندا! تو را سپاس که مرا از پدر و مادر فقیر، اما متدین و عاشق اهل بیت و پیوسته در مسیر پاکی بهره مند نمودی و....</p>	<p>شکر گزار حقیقی و همه جانیه</p>	<p>شکر نعمت و وفای به پیمان (بقره/۴۷)</p>
<p>سردار شکارچی ۱۳۹۹/۷/۱: ایجاد اختلاف میان ارتش و سپاه در دستور کار منافقین است.</p>	<p>گذشت و اغماض</p>	<p>طبیعی دانستن اختلاف میان انسان</p>

<p>حجت الاسلام ابوترابی فرد ۱۳۹۳/۳/۲۷: سردار حاج قاسم سلیمانی نمونه ای بارز از شایسته سالاری به شمار می رود و شایسته سالاری در پرتو مردم سالاری محقق می شود و آن زمینه ساز گسترش عدالت است.</p>	<p>شایسته سالاری</p>	<p>ها(هود/۱۱۸-۱۱۹؛ اسراء/۸۴)</p>
<p>سخنرانی دکتر جمیله علم الهدی، ۱۳۹۸/۱۱/۱۲: دینداری انقلابی شهید سلیمانی نمونه موفقی از جمع بین «معنویت دینی» و «جامعه گرایی» ایشان است. عرفان را با سیاست و مبارزه گره زد و در مقام عمل آن را در حوزه نظامی نیز اعمال کرد.</p>	<p>متدین بدون تحجر نواندیش بدون تجدد مآبی آخرت گرایی تکلیف گرایی</p>	<p>پذیرش فرمان الهی در تضارب آراء(اعراف/۲۰۴؛ نساء/۱۱)</p>
<p>بیانات حضرت امام خامنه ای(مد ظله العالی) ۱۳۹۸/۱۰/۱۳: شهادت پاداش تلاش بی وقفه ای او در همه ای این سالیان بود. گروه فرهنگی تقدیر، سردار دل‌ها، ۱۳۹۸، ص ۲۸: ماجرای مبارزه با اشرار و نقش حاج قاسم گه نشان از تعهد ایشان بود: ص ۷۰: ابوبکر بغدادی: با نقشه قاسم سلیمانی در سامرا شکست خوردیم.</p>	<p>تعهد و مسئولیت پذیری</p>	<p>اداره اقتصادی جامعه بشری با مهر و عدل(مائده/۲؛ نساء/۲۹)</p>
<p>وصیت نامه الهی - سیاسی شهید قاسم سلیمانی: خطاب به برادران و خواهران مجاهدم.... خطاب به برادران و خواهران ایرانی... خطاب به مردم عزیز کرمان... خطاب به خانواده شهدا... خطاب به سیاستون کشور... خطاب به برادران سپاهی و ارتشی... خطاب به علما و مراجع معظم...</p>	<p>توصیه به خوبی و نهی از بدی ها</p>	<p>عمل به فریضه امر به معروف و نهی از منکر(اعراف/۱۹۹؛ توبه/۷۱؛ لقمان/۱۷)</p>
<p>مرتضی کرامتی مشکینی، سرباز ولایت حاج قاسم سلیمانی، ۱۳۹۸، ص ۷۱: رسیدگی شخصی حاج قاسم به مسائل فرزندان مدافع حرم</p>	<p>هم یاری هم دردی همراهی</p>	<p>تعاون در بر و تقوا(مائده/۲)</p>
<p>سعید رضا عاملی(دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی)، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۹۹/۸/۱: حاج قاسم سلیمانی سردار تدبیر، عقلانیت و رفع موانع بزرگ از جمهوری اسلامی است و توسط ایشان گره های زیاد و بزرگی در عراق، سوریه، افغانستان، یمن و مناطق راهبردی باز شد. ابراهیم متقی، مجموعه گفتار پژوهی های مکتب شهید سلیمانی،</p>	<p>نماد مقاومت تدوین مکتب فرماندهی</p>	<p>رهبری عاقلانه و عادلانه</p>

<p>تابستان ۱۳۹۹: شهید سلیمانی، بهترین انتخاب برای فرماندهی نیروی قدس برای ایجاد «نظم نوین انقلابی هویت ساز» مکتب انقلاب بود.</p>	<p>سعادت و شهادت</p>	
<p>ابوذر مهروان فر، برادر قاسم (سیری در اندیشه حاج قاسم)، ۱۳۹۷، ص ۲۷۲: مسجد یک قرارگاه فرهنگی است و بر تمام جامعه اثر می گذارد. ص ۲۸۲: ترویج فهم غلط از دشمن در کشور و کاهش حساسیت جامعه خیانت است. ص ۲۸۳: قدرت نمایی شیعیان در مانور ۲۰ میلیونی بیش از رژه مسلحانه است.</p>	<p>احیاء پایگاه فرهنگی تولید فهم صحیح آموزش دشمن شناسی</p>	<p>رشد فرهنگی (جمعه ۲/)</p>
<p>شهید سلیمانی چهره‌ی بین‌المللی مقاومت است و همه‌ی دل‌بستانان مقاومت خونخواه اویند. ۱۳/۱۰/۱۳۹۸ مرتضی کرامتی مشکینی، سرباز ولایت حاج قاسم سلیمانی، ۱۳۹۸، ص ۸۲: ابراز نگرانی روسیه از ترور سردار ص ۸۴: خطوط قرمز ایران</p>	<p>نفی هر گونه سلطه‌گری یا سلطه‌پذیری رعایت عهد و موثیق بین‌الملل</p>	<p>رشد حقوقی (بقره/۱۷۷/۲۷۹؛ اسراء/ ۳۴)</p>

ب. جمع بندی مضمون‌ها

از تحلیل مضمون‌های پایه به مضمون‌های سازمان دهنده و از تحلیل مضمون‌های سازمان دهنده به مضمون‌های فراگیر رسیده می‌شود که در جدول شماره ۲ به آن‌ها اشاره می‌شود.

جدول ۲. جمع بندی مضمون‌ها و تدوین مضمون فراگیر مرتبط با شاخص‌های تمدن سازی

مضمون فراگیر	مضمون سازمان دهنده	مضمون پایه
بُعد حکومتی	ولایت مداری و قانون‌گرایی	ولایت‌مداری+ عمل به دستور+حرکت بر مبنای قانون و برنامه+ پایبندی به اصول و ارزش‌ها
بُعد فردی و مهارتی	عزت نفس	قاطعیت+ بلند همتی+ استقامت و بردباری
	کیفیت زندگی شغلی	عدالت محوری+ خوش خلق+ صادق+ منضبط+مدیریت زمان+ ارتباط مؤثر+ وحدت‌گرایی+ عدم انفعال هنگام شرایط سخت



	شخصیت فردی	هوشمند+ پرتلاش+بااراده+ صادق در رفتار
بُعد معنوی و اخلاقی	دین مداری	ایمان به خدا+ تقوی و خودکنترلی+ تکلیف گرایی و ایمان به هدف+ توکل و اخلاص+ قصد قربت در همه امور
	انقلابی مداری	ولایتمداری+ اقامه حق+ آمادگی برای شهادت+ بصیرت+ عدالت خواهی+ جهادگری
	ساده زیستی	دوری از تجمل+ تواضع+ مردمی بودن
بُعد نظامی	دشمن شناسی و دشمن ستیزی	شناخت دوست و دشمن+ مخالفت با استکبار جهانی+ مخالفت با اهداف دشمنان+ عدم سازش با دشمنان+ تسلیم نشدن در برابر اهداف دشمنان+ تصمیم به موقع
	هشیاری و شناخت محیط	قدرت تحلیل محیط+ قدرت تشخیص وقایع و حقایق+ مسلط بر عرصه های عملیات
	اطاعت پذیری و قانون گرایی	ولایتمداری+ عمل به دستور+ حرکت بر مبنای قانون و برنامه+ پابندی به اصول ارزش ها

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

الف. نتیجه‌گیری

نظر مختار این پژوهش؛ از آنجا که طبق آموزه‌های قرآنی، مهم‌ترین هدف حکومت در اسلام دو چیز است: ا. راهنمایی انسان‌ها به قسمت «خلیفه‌الله» شدن و فراهم کردن مقدمات سیر و سلوک آنان. ب. کشور اسلامی را «مدینه فاضله» ساختن، مبادی تمدن راستین را مهیا کردن و اصول حاکم بر روابط داخلی و خارجی را تبیین کردن.

با بیان اهمیت موضوع شکل‌گیری تمدن فطری در دنیای اسلام که همان ساخت مدینه فاضله و تشکیل حکومت اسلامی است و عمل به آن موازین و مبادی تکاملی طبق آیات از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی، منجر به برداشتن گام‌های اولیه جهت بسترسازی تمدن جدید اسلامی خواهد گشت که با مقایسه‌ی رهیافت‌های این پژوهش مؤلفه‌های شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی و شاخص‌های چهره‌ی تمدن ساز شهید قاسم سلیمانی می‌توان شخصیت ایشان را جامع ارزش‌های اخلاق فردی و اجتماعی دانست که گامی مؤثر جهت ساخت تمدن فطری مسلمانان است و امروزه به نام تمدن نوین اسلامی شناخته شده است؛ لذا رهبری عاقلانه و عادلانه ایشان، تولید قدرت و توانمندسازی جبهه‌ی مقاومت در سطح منطقه و جهان، توجه به فطرت سلیم و اخلاص ایشان که منجر به تغییر معادلات و هندسه قدرت منطقه‌ای و جهانی و در نهایت آزادسازی انرژی‌های جبهه‌ی مقاومت شده، به روش تحلیل مضمون‌های پایه می‌توان به فعلیت رسیدن این تمدن فطری را طبق مؤلفه‌های تمدن ساز استدلال نمود.

ب. پیشنهاد

- ارائه راهکار در راستای تمدن‌سازی نوین بر اساس شاخص‌های رفتاری شهید قاسم سلیمانی
- تبیین راه‌های تقویت ابعاد معنوی و ارزشی-فردی و رفتاری-فرماندهی و مدیریتی بر اساس سیر مطالعاتی زندگانی شهید قاسم سلیمانی
- بهره‌گیری از روش فیر کلاف، در تدوین و ارائه الگوی راهبردی تمدن ساز مکتب شهید قاسم سلیمانی

فهرست منابع

منابع فارسی

قرآن کریم

دشتی، محمد (۱۳۸۳)، ترجمه نهج البلاغه، قم، انتشارات معاصر.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۲)، الخصال، جعفری، یعقوب قم: نسیم کوثر.
۲. بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۵ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه البعثه.

۳. بیات و همکاران (۱۳۹۵)، بررسی ویژگی های استعداد های فرماندهان نظامی از دیدگاه قرآن کریم، فصلنامه مدیریت اسلامی، ش ۴، ۱۶۱-۱۸۶.
۴. پارسانیا، حمید (۱۳۹۹)، «عقل سرخ؛ یادنامه علوم اجتماعی ایران برای حاج قاسم سلیمانی و جهان پس از شهادتش»، تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
۵. جوادی آملی، عبدالله؛ علی اسلامی (۱۳۸۸)، تسنیم، ج ۱، چ هشتم، قم: نشر اسراء.
۶. احمد قاسمی (۱۳۸۹)، تسنیم، ج ۴، چ ششم، قم: نشر اسراء.
۷. حسن واعظی محمدی (۱۳۸۹)، تسنیم، ج ۶، چ هشتم، قم: نشر اسراء.
۸. حسن واعظی محمدی (۱۳۸۸)، تسنیم، ج ۷، چ چهارم، قم: نشر اسراء.
۹. حسن واعظی محمدی (۱۳۸۸)، تسنیم، ج ۹، چ سوم، قم: نشر اسراء.
۱۰. سعید بند علی (۱۳۸۹)، تسنیم، ج ۱۰، چ سوم، قم: نشر اسراء.
۱۱. محمد حسین الهی زاده (۱۳۸۸)، تسنیم، ج ۱۲، چ دوم، قم: نشر اسراء.
۱۲. عبدالکریم عابدینی (۱۳۸۸)، تسنیم، ج ۱۵، چ دوم، قم: نشر اسراء.
۱۳. سعید بند علی، عباس رحیمیان (۱۳۸۹)، تسنیم، ج ۱۹، چ دوم، قم: نشر اسراء.
۱۴. مجید حیدری (۱۳۸۹)، تسنیم، ج ۲۱، چ اول، قم: نشر اسراء.
۱۵. حسین شفیعی، محمد فراهانی (۱۳۸۹)، تسنیم، ج ۲۲، چ اول، قم: نشر اسراء.
۱۶. محمد صفائی (۱۳۸۸)، ادب فنای مقربان (شرح دعای جامعه کبیره)، ج ۳، چ پنجم، قم: نشر اسراء.
۱۷. سید محمد حسن مخبر، (۱۳۸۹)، امام مهدی (عج) موجود موعود، چ ششم، قم: نشر اسراء.
۱۸. محمد امین شاهجوئی، (۱۳۸۴)، بنیان مرصوص امام خمینی (ره)، چ هشتم، قم: نشر اسراء.
۱۹. عباس رحیمیان، (۱۳۸۸)، اسلام و محیط زیست، چ پنجم، قم: نشر اسراء.
۲۰. محمد رضا مصطفی پور، (۱۳۸۹)، انتظار بشر از دین، چ ششم، قم: نشر اسراء.
۲۱. محمد محرابی، (۱۳۸۹)، ولایت فقیه، چ نهم، قم: نشر اسراء.
۲۲. مصطفی خلیلی، (۱۳۸۹)، جامعه در قرآن، چ سوم، قم: نشر اسراء.
۲۳. حمید پارسانیا، (۱۳۸۶)، شریعت در آئینه معرفت، چ پنجم، قم: نشر اسراء.
۲۴. حسن واعظی محمدی، (۱۳۸۸)، صهبای حج، چ سوم، قم: نشر اسراء.
۲۵. دهقانی پوده، حسین؛ پاشایی، امین (۱۳۹۹ش)، تدوین الگوی فرماندهی شهید قاسم سلیمانی، فصلنامه مدیریت اسلامی، سال ۲۸، ش ۲.

۲۶. طاهر نژاد، امید (۱۳۹۸)، وصیت نامه شهید قاسم سلیمانی، انتشارات شبنا.
۲۷. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴)، تفسیر المیزان، ترجمه سید باقر موسوی همدانی، قم: نشر جامعه مدرسین.
۲۸. طبرسی، ابو علی فضل بن حسن (۱۳۹۵ ق)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چ پنجم، تهران: مکتبه الاسلامیه.
۲۹. عابدی جعفری و همکاران (۱۳۹۰)، تحلیل مضمون و شبکه مضمون ها، روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده های کیفی، فصلنامه اندیشه مدیریت راهبردی، ش ۱۰، ۱۵۱-۱۹۸.
۳۰. غلامی، رضا (۱۳۹۶)، فلسفه تمدن نوین اسلامی، تهران، سوره مهر.
۳۱. کرامتی مشکینی، مرتضی (۱۳۹۸)، سرباز ولایت حاج قاسم سلیمانی، قم: قاف اندیشه.
۳۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸ ق)، الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۳. گروه فرهنگی تقدیر (۱۳۹۸)، سردار دلها، انتشارات تقدیر.
۳۴. متقی، ابراهیم (۱۳۹۹)، مجموعه گفتار پژوهی های مکتب شهید سلیمانی، دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام).
۳۵. مهران فر، ابوذر (۱۳۹۷)، برادر قاسم (سیری در اندیشه حاج قاسم)، مهر امیرالمؤمنین (علیه السلام).
۳۶. محمدپور، احمد (۱۳۹۰)، روش تحقیق کیفی، ضد روش، مراحل و رویه های علمی در روش شناسی کیفی، تهران، انتشارات جامعه شناسان.
۳۷. مجلسی، محمدباقر (۱۴۲۱ ق)، بحار الانوار الجامعه لدرر الاخبار، لبنان: دارالتعارف للمطبوعات.

منابع انگلیسی

۱. Braun, v and Clarke, v (2006). Using Thematic Analysis in psychology. Qualitative Research in in psychology, 3(2), 77-101.

